



تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجادیه در تعلیم و تربیت

سید جلال موسوی زاده^۱

احمد سلحشوری^۲

ایراندخت فیاض^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجادیه در تعلیم و تربیت انجام شد. **روش:** این تحقیق از حیث هدف، کاربردی و رویکرد زیربنایی آن، پژوهش کیفی است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مفهومی و استنتاجی استفاده شده است. محیط پژوهش شامل کتاب صحیفه سجادیه و نمونه‌گیری آن، به صورت هدفمند بوده است. **یافته‌ها:** شامل مبانی، اهداف، اصول و روشها در الگوی مفهومی تربیت معنوی است. در صحیفه سجادیه، انسان معنوی ابتدا باید شناخت را در خود ایجاد کند. وقتی شناخت انسان به مرحله باورمندی رسید، بعد از آن رفتار اجتماعی پدید می‌آید. **نتیجه‌گیری:** خداوند متعال، هدف غایی و حقیقت بی‌نهایت و جامع تمام ارزشهاست. مهم‌ترین هدف تربیت معنوی، زیست بر اساس خواست الهی است و رسیدن به کمال انسانی، یکی از غایات تربیتی محسوب می‌شود. از آنجا که ساختار وجودی آدمی به گونه‌ای است که تنها در برقراری ارتباط با خداوند به آرامش می‌رسد، سایر تلاشهای عقلی و علمی انسان، محکوم به نافرجامی است. رسیدن به آرامش درونی و اطمینان قلبی، از شاخصهای پیامدی تربیت معنوی‌اند.

واژگان کلیدی: معنویت، تربیت معنوی، صحیفه سجادیه، الگوی معنوی.

◇ دریافت مقاله: ۰۰/۰۳/۱۰؛ تصویب نهایی: ۰۰/۰۶/۱۲.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول). نشانی: /نمابر: ۰۲۱/۴۳۹۳۱۷۶ /Email: ah.salahshoori@atu.ac.ir
۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

الف) مقدمه

معنویت، مسئله مهمی است که ضرورت توجه به آن توسط اندیشمندان و دلسوزان دین هم مطرح شده است. مطهری به نقل از اقبال لاهوری می‌نویسد: بشریت امروز به سه چیز نیازمند است: تعبیری روحانی از جهان، آزادی روحانی فرد و اصولی اساسی و دارای تأثیر جهانی که تکامل اجتماع بشری را بر مبنای روحانی توصیه کند (مطهری، ۱۳۸۷). معنویت؛ یعنی داشتن ارتباط با وجود متعالی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خمهای زندگی و تنظیم زندگی شخصی بر مبنای ارتباط با وجود متعالی و درک حضور دائمی در هستی معنادار، سازمان‌یافته و جهت‌دار. معنویت یکی از ابعاد ذاتی وجودی انسان و مشترک میان تمام انسانهاست. این بعد مانند سایر ابعاد شناختی، عاطفی و روانی حرکتی، موضوعی تربیتی است. تا جایی که امروزه برای آموزش برخی تخصصها که به گونه‌ای با انسانها ارتباط دارند، بر موضوع معنویت در وجود مدیران، پرستاران، معلمان، روان‌شناسان، مشاوران و حقوق‌دانان تأکید می‌شود. این افراد در صورتی که از رشد معنوی خوبی برخوردار باشند، می‌توانند هنگام کار با افراد، برداشت جامع‌تری از انسان داشته باشند و در نتیجه، اثربخشی زیادی از خود نشان دهند. علاوه بر این، برنامه‌های نظامهای تعلیم و تربیت، می‌توانند بهترین موقعیت را برای تبلور و رشد معنویت در افراد فراهم سازند. (قاسم‌پور و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰)

امروزه جهل آموزش معنوی منجر به بهره‌کشی و استثمار، فساد، تجاوز، کشتار، فاجعه، خودخواهی و نفرت شده و انسان را در هزاره سوم، با بحرانهای بزرگی روبه‌رو کرده است. علاوه بر بحرانهای خارجی، مردم در داخل نیز درگیر بحرانهایی به مراتب قوی‌تر، پیچیده‌تر و فاجعه‌بارترند؛ مانند بحران در حفظ هویت، ارزشها، انتخاب هدف، حفظ تمامیت خود، دانش دینی و فهم دینی، تفکر انتقادی و استدلال و در نهایت، بحران در ایمان و اخلاق انسانی (سلیمان‌پور، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد از منظر گفتمان کثرت‌گرای این عصر، پرداختن به تربیت معنوی، بیش از تربیت دینی می‌تواند راهگشا باشد؛ زیرا اگر به معنویت به عنوان جوهره مشترک ادیان بنگریم، نقطه مشترکی برای دیدگاههای گوناگون است. لذا باید توجه داشت مفهوم تربیت معنوی در دوران و دیدگاههای مختلف، دارای تعاریف متفاوتی است؛ ولی منظور از این تعاریف متفاوت، همان تربیت معنوی است. در شرایط کنونی جوامع، لزوم تحقق تربیت معنوی مستلزم اعتقاد جدی به رابطه معنویت با نظام تعلیم و تربیت است و با توجه به این، لازم است ماهیت و مفهوم تربیت معنوی بررسی شود. (باقری، ۱۳۸۵: ۲۸۸)

مشغولیت‌های انسان کنونی و نوع تربیت او از سوی نظامهای رسمی تعلیم و تربیت، انسان را به سمت دور شدن از حقیقت وجودی خویش سوق داده است؛ به طوری که امروزه شاهد وقوع نابسامانی‌های ناشی از این امر در سطح فردی و اجتماعی می‌باشیم. قلمرو تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بستری است که می‌تواند برای

تحقق معنویت در زندگی انسانها، نقش مؤثری ایفا کند. این امر در ده‌های اخیر، زمینه‌ساز ظهور رویکرد جدیدی در تربیت، به نام تربیت معنوی شده است. احساس عدم تعلق به چیزی و فرسایش درونی در عصر حاضر، مولود رخت بر بستن معنویت از روح جامعه است و گذار از این مرحله و رسیدن به ساعات و خوشبختی، نیازمند توجه بیشتر به ارزشهای متعالی است؛ ارزشهایی که متضمن ایجاد آشتی و پیوند مجدد انسان با خویش، با خداوند، طبیعت و انسانهای دیگر است.

تمدن جدید در قرن بیستم، وضعیت بسیار ناپایداری را تجربه کرده است. از این رو، طراحان تمدن تصمیم گرفتند از معنویت بهره‌برداری کنند؛ زیرا معنویت، ویژگی‌های بسیار مناسبی دارد. نخست اینکه، ابزار جذابی است که گویی اقبال عمومی هم با آن موافق است. دوم اینکه، شامل موضوعاتی است که تمام انبای بشر در طول تاریخ و عرض جغرافیا به آن دل‌بستگی داشته و دارند و می‌تواند زمینه‌ساز مقبولیت سلطه‌ای فرا فرهنگی و جهانی باشد. سوم اینکه، معنویت‌های نوین و دست‌ساز، تحول و تنوع رضایت‌بخشی را برای اهالی تمدن غرب ایجاد می‌کنند (مظاہری سیف، ۱۳۸۴). از همین رو، به فکر طراحی جریانها و فرقه‌های معنویت‌گرایی افتادند.

در آثار اندیشمندان و نظریه‌پردازان معنویت که بیشتر در بین متفکران‌اند، دو دیدگاه کلی به چشم می‌خورد؛ نوع اول، نظریه‌ای است که ریشه معنویت را به تبعیت از دیدگاه‌های غربی و معنویت را جایگزینی برای دین می‌بیند. در این رویکرد، معنویت نیازی به تشکیلات نهادین دین ندارد، بلکه امری شخصی است؛ آدمی می‌تواند معنوی باشد و به خدا معتقد نباشد. نوع دوم؛ دیدگاهی است که ریشه معنویت را در دین و اعتقاد به خدا و ادیان الهی می‌داند. اندیشمندان این دیدگاه، با بدبینی به جداسازی مفهوم معنویت از دین، معتقدند که معنویت، دین‌آسانی یا ارادت بی‌مایه است؛ در حالی که هیچ معنویت راستینی جدا از دین وجود ندارد. (اسپیکا و همکاران، ۱۳۹۰)

در آثار نویسندگان معاصر، معنویت تحت تأثیر دو دیدگاه غیر دینی و دین‌محور بحث و بررسی شده است. دیدگاه غیر دینی از عرفانهای کاذب و مکاتب انحرافی سر درآورده و دیدگاه‌های دین‌محور متأثر از آموزه‌های دینی است که به تناسب تحریفات صورت گرفته در هر دین، دچار انحراف، تحریف و با خرافات آلوده و آمیخته شده است.

صحیفه سجاده‌یه یکی از جامع‌ترین و ارزنده‌ترین منابع فرهنگ ناب اسلامی است که در میان آثار به جا مانده از این امام، از همه مهم‌تر است. این کتاب شریف از نظر اهمیت، پس از قرآن و نهج‌البلاغه قرار دارد. انتساب صحیفه سجاده‌یه به امام سجاده (ع) مورد قبول تمام علمای اسلام از همه فرقه‌هاست و هیچ کس در این باره تردید ندارد. با توجه به جایگاه والا و انبوه حقایق و معارف موجود در صحیفه سجاده‌یه، سالهای زیادی است که علمای بزرگ و اندیشمندان فرهیخته، بیش از ۶۰ شرح و تفسیر بر آن نوشته‌اند. در حال

1170 ♦ تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجادیه در تعلیم و تربیت

حاضر آنچه از صحیفه کامله سجادیه باقی مانده، ۵۴ دعاست. صحیفه همچنین به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، ترکی، اردو، اسپانیولی، بوسنیایی و آلبانیایی ترجمه شده است. (پوراسلامی، ۱۳۹۱)

صحیفه سجادیه کتاب زندگی است که از مرز زمان و مکان فراتر رفته و هر روز طراوت و تازگی بیشتری می‌یابد. تمام موضوعات حیات سالم در این اثر جاویدان که از زبان انسان کامل معصوم، امام سجاد(ع) صادر شده، با انسجام، زیبایی، ژرف‌نگری و جامعیت مطرح شده و از دیرباز مورد توجه بوده است. در این کتاب، مقدس به همه جنبه‌های جسمانی، روانی، اجتماعی، عاطفی و معنوی، توجه و تأکید شده است؛ نظام آموزش و پرورش به منظور محقق ساختن شرایط مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و دین‌مدار، موظف است با برنامه‌های تربیتی سالم و اصولی این امکان را فراهم کند. (انصاری، ۱۳۸۰)

آنچه امروزه تعلیم و تربیت، به خصوص فلسفه تعلیم و تربیت با آن دست به گریبان است، فاصله بین نظریه و عمل و نیز عملی کردن نظریه‌های کلان با داعیه اعتبار جهان‌شمول و همیشگی، در نظامهای تربیتی مختلف با ویژگی‌های بومی، فرهنگی و اجتماعی و دینی مختلف است. بسیاری از کشورها در حال حاضر به این امر توجه ویژه دارند و با توجه به بافت اجتماعی و نیازها، به بومی‌سازی برنامه‌های تربیت معنوی پرداخته و هر کدام شکل خاصی از برنامه تربیت معنوی را مد نظر خود قرار داده‌اند. در ایران نیز این مهم به دلیل اینکه وجود خصوصیتی از سوی جامعه، مدارس، آموزش و پرورش، مدرسه و... در نظام آموزشی بومی ما با توجه به فلسفه تربیت اسلامی حاکم بر آن ممکن است اجرای این برنامه را با موانع جدی مواجه کند، به یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان تربیتی مبدل شده است.

(ب) بیان مسئله

در تعلیم و تربیت، عرصه‌ها و وجوه گوناگونی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آنها حوزه تربیت معنوی است. اما این حوزه نیازمند انجام مطالعات علمی گسترده کمی و کیفی است. به ویژه در جامعه ما ضروری است که صاحب‌نظران با معرفی الگویی از هنجارها و رویکردهای معنوی، به غنای هرچه بهتر آن پرداخته و کاربرد شاخصهای آن را در دوره متوسطه توصیه کنند. همان‌طور که بیان شد، با ورود برنامه تربیت معنوی حقیقی به حیطه نظامهای تربیتی - نه به شکل شعاری و نمادین - مبانی فلسفی این برنامه همراه با محتوایی که انعکاس‌دهنده مبانی فلسفی تربیت معنوی است، تأثیرات فکری مخصوص به خود را روی مخاطبان برنامه می‌گذارد. لذا آموزش و پرورش ایران به عنوان کشوری اسلامی و با توجه به هرم جمعیتی آن، موظف است در راستای اهداف اسلامی و الهی تربیت انسانها گام بردارد. دلیل عمده برای توجه به معنویت این است که امروزه فرهنگ بشریت، سطحی و دانش‌او خطرناک است؛ زیرا از لحاظ فن و صنعت، توانمند شده و انسان نو با تکیه بر اعجاز عظیم فناوری، به پرستش خویشتن رو آورده و از نظر

معنا و هدف، به غایت فقیر و ضعیف شده است. از آنجا که انسان موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است و نیازهای گوناگون دارد، لذا توجه به معنویت که تکمیل کننده و معنادهنده بخشهای گوناگون زندگی انسان است و انسان را در برخورد و یافتن راه حل برای مشکلات و سختی های زندگی توانمند می سازد، ضرورت می یابد. (پاپی و هاشمی، ۱۳۹۳)

عصر حاضر را باید عصر سردرگمی در میان پیشنهادهای گوناگون و گاه متناقض در خصوص روشها و رویکردهای گوناگون آموزش و تربیت نامید؛ زیرا از یک سو رویکردهای سنتی، اعم از سکولار و دینی، به باد انتقاد گرفته شده و پس از تحمل برجسبهایی مانند تلقینی بودن، بی توجهی به یافته های روان شناسان در رشد معنوی، استبدادی بودن، جزمی بودن، متکی بودن بر اقتدار مری به جای تأکید بر خودمختاری فاعل و بی توجهی به آزادی اندیشه توسط مربیان و پژوهشگران تربیتی و اخلاقی کنار نهاد شده اند (الرود، ۱۳۸۱) و از سوی دیگر، تا کنون رویکرد بدیل فراگیری که بتواند ضمن پوشش نقاط ضعف رویکردهای سنتی، اثرگذاری و کارایی خود را به اثبات رساند نیز ارائه نشده است. بنابر این، انجام هر پژوهش تربیتی در راستای ارائه الگویی مبتنی بر معیارهای فرهنگ ایرانی - اسلامی در تربیت معنوی که بتواند ابعاد گوناگون و نقاط قوت رویکردهای دیگر تربیت معنوی را شامل شود و از نقاط ضعف آنها اجتناب ورزد، ضروری خواهد بود. این تحقیق با پذیرش این دیدگاه نظری که معنویت از دین جدا نیست و معنویت اسلامی جدای از دین اسلام قابل طرح و بحث نمی باشد، به بررسی موضوع معنویت و تربیت معنوی مبتنی بر صحنه سجادیه می پردازد.

۱. مبانی نظری معنویت

اهمیت معنویت و تربیت معنوی در انسان، طی چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه کارشناسان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته ها و نیازهای مادی قد علم کنند؛ به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می کند و بعد چهارم؛ یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می سازد. اما با وجود تأکید روزافزون دانشمندان بر بعد معنوی رشد انسان، هنوز تعریف واحدی که در بر گیرنده تمامیت معنویت باشد، ارائه نشده است (یعقوبی، ۱۳۸۹). مایه شگفتی است که بسیاری از فرهنگهای واژگان و دانشنامه های معاصر با اینکه به معنویت گرایی و مفاهیم همسو اشاره می کنند، فاقد یک مدخل در باب معنویت به معنای واقعی کلمه اند. در حوزه دینی نیز بسیاری از ادیان، واژه معینی ندارند که به صورت دقیق مفهوم معنویت را منتقل کند و آن را توضیح دهد. احساس نیاز به نگاهی متفاوت به انسان و چگونگی عملکرد او و درک این مطلب که انسان موجودی تعالی خواه و جستجوگر در مسیر معنا و تعالی بخشی به زندگی خود است، باعث شده تا متفکران علوم تربیتی از کمبود مفهوم معنویت اطلاع یابند.

1172 ♦ تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجاده‌یه در تعلیم و تربیت

معنویت^۱ از ریشه یونانی و عبری به معنای تصور حرکت نامحسوس هوا گرفته شده است یا به قول جان گوسپل، چیزی شبیه به باد که وزیدنش خوشایند است و صدایش را می شنوید، ولی نمی توانید بگویید که از کجا می آید و به کجا می رود (ناکی، ۲۰۰۴: ۲). همچنین، معنویت از ریشه یونانی به معنی نفس گرفته شده و در فرهنگ آکسفورد به معنای حیات بخشی است و می توان گفت با این باور که خداوند روح حیات (روح خودش) را در بشر دمیده، سازگار است. بنابر این، روح نیروی اتحادبخشی است که در تمام انسانها مشترک است و حالتیهایی مانند درک ابدیت، احساس آرامش، سرور و شادی، رشد معرفت و آگاهی، رهایی از ترس از مرگ، احساس یقین، اشراق، احساس دگرگونی و یکی شدن با دیگران و شاید هزاران نوع احساس دیگر را بتوان بخشی از آثار بعد معنوی در انسان فرض کرد. با اینکه معنویت مبهم و اسرارآمیز است، با آنچه پویا و حیات بخش است، در ارتباط است. بنابر این، مرکز و قلب معنویت، حالت اسرارآمیز و پویایی دارد و می توان گفت دارای بعدی غیر مادی و ماورایی است. (رایت، ۲۰۰۳)

معنویت، شکلی از آگاهی است؛ آگاهی تعالی دهنده‌ای که به طور بالقوه در بشر وجود دارد و کارکردی مثبت است که فرد را قادر می سازد خود را در محیط حفظ کند (میلر، ۱۹۹۳). معنویت صرفاً دانشی از حقایق یا تسلط بر موضوعی ویژه یا مهارت یافتن در برخی از روشهای درون فردی مانند آنچه مثلاً دکارت مطرح کرده، نیست؛ بلکه مانند یک سفر کوهنوردی است. همان طور که در این سفر، راهنمای کوهنوردی نیاز به یک سری داده‌های نظری دارد، راهنمای سفر معنوی نیز نیاز دارد که دست کم در برخی از امور تا حدی مسیر معنوی را پیموده باشد. (سی‌ناتر، ۲۰۰۰)

یک) ابعاد معنویت

وبستر^۲ (۲۰۰۴) بر این باور است که می توان ابعاد ذیل را برای معنویت قائل شد:

یک) درونگری؛ حالتی از آگاهی که فرد را به تفکر در درون خود و می دارد.

دو) رابطه؛ به این معنا که هدف اصلی معنویت، بررسی و واکاوی درون هستی خودش و باورهایش

نیست؛ بلکه به این برمی گردد که چگونه فرد با دیگران ارتباط برقرار می کند.

سه) تعادل بین آزادی انتخاب و فرهنگ؛ به این معنا که فرد قادر است انتخاب کند و پاسخهای خود را

به پرسشهای اساسی درباره معنای وجود و هستی پیدا کند.

چهار) دید کل نگر و جامع؛ یعنی معنویت شامل تعهدی با تمام وجود در تمام ابعاد ذهنی و عاطفی و عمل و نیت.

1. Spirituality
2. Tacey
3. Write
4. Miller
5. Sinetar
6. Webster

آموزن^۱ (۱۹۹۹) سه بعد برای معنویت قابل است: تعالی و فراتر رفتن، هشیاری بالا و ارزشهای ماندگار. هولی^۲ (۱۹۷۸) بر این باور است که معنویت رشد آزادی و رهایی از چیزهای مادی است و این حالت بیشتر تفکر، آزادی و خلاقیت است که از راه تعهد، ارزشها و اهداف توضیح داده می شود. این حالتها، شکلی از گشودگی را بین فرد و خود تعالی فراهم می کنند. بنابر این، می توان معنویت را ظرفیت و موقعیتی برای فراتر رفتن از خود و ایجاد حس تعالی، رازگونگی، هیبت و هماهنگی بین ذهن، بدن، خود و جهان دانست. معنویت بیشتر بر خردمندی تأکید می کند تا بر معرفت و دانش. معنویت به دوره بزرگسالی محدود نمی شود، بلکه از زمان تولد و درون یک محتوای تربیتی و در ارتباط با تقدس فردی شروع به شکل گیری می کند. بنابر این، می توان نتیجه گرفت که تحقق واقعی تربیت معنوی در گرو دین است. اگر به فلسفه باستان نظری بیفکنیم، درمی یابیم که هدف اصلی این در دوره، توجه به خود و روح بود.

دو) ارکان معنویت

معنویت حقیقی نه با اصول بدیهی متعارض است و نه با نتایج قطعی آن. بدین ترتیب، با استناد به اصول قطعی عقل می توان گفت که معنویت حقیقی باید واجد این ارکان باشد: ۱. عقلانیت؛ ۲. اعتقاد به بعد غیر مادی هستی؛ بنابر این، هر تفسیری که بخواهد امور معنوی را با اصول پوزیتیویستی تحلیل کند، از این چارچوب خارج است. ۳. اعتقاد به وجود خدای حکیم، قادر و مهربان که وجودی مشخص و متعالی از ممکنات دارد و وجودش مجموع تمام اشیای این عالم نیست؛ ۴. اعتقاد به معاد؛ ۵. باور به اختیار انسان و امکان صعود و سقوط وی؛ ۶. اعتقاد به هدفمندی آفرینش؛ ۷. اعتقاد به تأثیر اعمال ظاهری بر شکل گیری حقیقت باطنی انسان. (محمدی، ۱۳۹۰)

رویکردهای پنج گانه معنویت (برادلی و همکاران، ۲۰۰۳)

مفهوم	رویکردها
معنویت با توجه به وابستگی و تعلق به یکی از ادیان شناخته شده جهان: مسیحیت، اسلام و یهودیت.	سنت گرا
معنویت با توجه به وابستگی و تعلق آن به یکی از آیینهای عصر جدید؛ مثل جان گرای (اعتقاد به جان داشتن اشیا)، طبیعت گرایی، اعتقاد به عالم ارواح، پیروان دکتر مون، مانو فاکس یا سایر....	آیین گرا
معنویت بر حسب خودتحویلی، شفقت، صداقت و سایر واژهها و عباراتی که بیانگر ارزش دادن به برقراری ارتباط با دیگران است.	انسان گرا
معنویت با تعاریف آزادانه و مسامحه درباره واژههایی مانند عشق، احساس خوب بودن و واژههای دیگری که بیانگر ارزش دادن به خود است.	پست مدرنیسم تأیید گرا
نگرش کاملاً منفی درباره معنویت. احساس اینکه معنویت ابزاری است برای رهبران که پیروان خویش را استثمار کنند؛ یا مدیران، زیردستان را؛ یا معلمان، دانش آموزان را.	پست مدرنیسم شک گرا

^۱ Emmons

^۲ Holley

^۳ Bradley & Kauanui

۲. معنویت در اسلام

معنویت از واژه‌های نوظهور است. این واژه در فرهنگ غرب معانی گسترده‌ای دارد و هرگونه معناگرایی را شامل می‌شود؛ چنانکه در بخش معنویت‌های کهن و نوپدید به برخی از آنها اشاره می‌شود. مقصود ما در اینجا، معنویت در نگاه اسلامی است. واژه معنویت در قرآن و روایات بدین شکل نیامده، ولی با توجه به معنای لغوی آن می‌توان گفت که منظور از آن، عالم باطن و حقیقت و روح جهان مادی و ظاهری است. بدین بیان، موجودات جهان به چهار نوع جمادات، نباتات، حیات طیبه و نور الهی قرآنی نزدیک به آن حیوانات و انسان تقسیم می‌شوند. جماد هیچ حرکت و تغذیه و رشدی ندارد؛ ولی نبات تغذیه و رشد دارد. حیوان در عین اینکه با نبات در تغذیه و نمو شریک است، امتیاز حرکت ارادی یا حیات حیوانی نیز دارد. انسان افزون بر حیات حیوانی، افکار عالی و تصرفات شگفت‌آوری دارد که او را از همه حیوانات ممتاز می‌کند. در میان انسانها نیز افرادی یافت می‌شوند که افزون بر زندگی عادی، از علم و ایمان و معرفت نسبت به آفریننده هستی برخوردارند و چیزهایی را از عالم معنا درک می‌کنند که سایرین از درک آنها عاجزند؛ چیزهایی را اراده می‌کنند که دیگران آنها را اراده نمی‌کنند و... در حقیقت؛ دریچه‌ای از باطن و حقیقت عالم به رویشان گشوده شده و به معنای عالم دست یافته و معنوی شده‌اند. قرآن مجید می‌فرماید: «هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد» (نحل: ۹۷). علامه طباطبایی از این آیه چنین نتیجه می‌گیرد: این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی، مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل بر حیات طیبه می‌کند که اصل حیات، همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر می‌دهد...؛ بلکه خدای تعالی حیاتی ابتدایی و جداگانه و جدید به او افاضه می‌فرماید.

با توجه به آیات و تعبیراتی که در آنها آمده، می‌توان معنویت اسلامی را چنین تعریف کرد: حیات طیبه و نورانیت دل از طریق معرفت، ایمان، عمل صالح و بندگی خدا بر اساس شریعت اسلامی. بر این اساس، معنویت برابندی است که از فرایند معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت اسلامی حاصل می‌شود. بدین ترتیب، اگر حیات طیبه و نورانیت دل به دست نیاید، معنویت فراچنگ نیامده است. بدون معرفت نسبت به حقایق عالم و ملکوت جهان مادی و نیز ایمان به خدا و صفات و افعال او، معنویت مفهومی ندارد. بخش عظیمی از معنویت در پرتو کارهای شایسته و نیکو شکل می‌گیرد و عمل صالح لازمه ایمان صحیح و مقوم معنویت و شرط لازم آن است و نقیض آن، عمل زشت نیز ناپودکننده معنویت است.

آموزه‌های اسلامی، عمیق‌ترین و جامع‌ترین معارف الهی را در ابواب گوناگون عرضه می‌دارند و افزون بر آن، اعمال شایسته را به بهترین شکل تبیین کرده‌اند که می‌تواند معنویت بزرگ را پایه‌گذاری کند. اساساً از دیدگاه مکاتب الهی، به خصوص اسلام که قرآن، کتاب آسمانی آن است، تربیت روحی و معنوی انسان

سید جلال موسوی زاده و همکاران ♦ 1175

در مقایسه با تربیت جسمانی و مادی او اهمیت بیشتری دارد. توضیح اینکه از دیدگاه اسلام، انسان دارای دو بعد عمده جسمانی و روحانی است. قرآن، منبع اصیل اسلام، درباره بعد جسمانی انسان می‌فرماید: «و خداوند آفرینش انسان را از خاک آغاز کرد» (سجده: ۷). در آیه دیگری درباره بعد روحی انسان و اهمیت آن می‌فرماید: «پس چون آن عنصر را معتدل بیاراستم و در آن از روح خویش دمیدم، همه بر او سجده کنید» (فجر: ۲۹). از آیه شریفه مزبور به روشنی استفاده می‌شود که اولاً، انسان برخوردار از روح الهی است و ثانیاً، همین برخورداری انسان از روح الهی باعث ارزش و کرامت انسان شده؛ به گونه‌ای که ملائکه در مقابل انسان از سوی خداوند مأمور به سجده می‌شوند. روشن است که ارزش و کرامت و هویت انسان را روح او تشکیل می‌دهد و اصالت از آن روح انسان است؛ اما این به معنای آن نیست که اسلام توجهی به بعد مادی و جسمانی انسان ندارد. علت توجه اسلام به تربیت معنوی این است که مهم‌ترین تجلی هستی در عالم امکان، انسان است. آدمی به اعتبار بعد معنوی خویش که وجه اساسی رابطه او با خالق خویش به شمار می‌آید و بر مبنای تبعیت از خرد و شریعت الهی، می‌تواند در سیر روحانی و فرامادی، به دریافت حقایق معنوی و صورت‌های غیبی و فراحسی نایل آید. انسان آنگاه می‌تواند به شهود والای حق برسد که از عالم طبیعت انقطاع داشته باشد و بتواند به حقیقت شهودی خویش که عین فقر و وابستگی به خالق متعال است، آگاهی یابد.

انسان به سبب دو ویژگی بارز و اساسی خود که همانا هستی‌گرایی و مطلق‌گرایی است، موجودی معنوی تلقی می‌شود و در طلب هستی مطلق، به عشق، محبت، لذت و سعادت محدود بسنده نمی‌کند و برای کمال وجودی خویش، نهایی نمی‌شناسد. گرایش به محدودها و حقایق تمام‌شدنی ممکن است در کوتاه‌مدت انسان را فرو نشانند و از تلاش و پویایی بازدارد، اما نمی‌تواند ماندگاری و رضایتمندی او را تضمین کند و از کوشش فراتر برای دستیابی به حقایق مطلق و نامحدود ممانعت به عمل آورد. انسان به واسطه روح الهی و جوهره معنوی خویش، از اهمیت و وسعت زیادی برخوردار است و بر اساس حکمت متعالیه، تنها موجودی از آفریده‌های خداوند است که ماهیت معین و فرو بسته ندارد و در نوع خود، منحصر به فرد است و پیوسته برای ارتقای وجودی خویش می‌کوشد تا تمام مراتب هستی را به نظاره بنشیند. (نجفی کشانی، ۱۳۹۰)

۳. تربیت معنوی

یکی از عناصر انسان بودن، معنوی بودن است. بدون تردید بازسازی و تعالی شخصیت معنوی آدمی، هدف اصلی همه رسولان الهی بوده است (سرلک و همکاران، ۱۳۹۴). هیچ یک از متفکران اسلامی، دیدگاه‌های تربیتی خود را در قالب واژه تربیت معنوی تصریح نکرده‌اند؛ هرچند که آرای بسیاری از ایشان در این زمینه قابل ارائه است. علامه طباطبایی معتقد است تربیت معنوی در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است. انسان به طور ذاتی موجودی معنوی است. بنابر این، تربیت معنوی در پی آن نیست که

1176 ♦ تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجاده در تعلیم و تربیت

انسان را معنوی کند. در واقع؛ حرکت نفس از نقطه صفر آغاز نشده است و معنویت چیزی نیست که انسان به دنبال آن و به دنبال دستیابی به آن باشد، بلکه از آغاز با اوست و به تدریج در حال شکل‌گیری است. تربیت معنوی در راستای تفصیل بخشیدن به میل و فطرت ربوبی و شکل دادن به ملکات نفسانی معنا می‌یابد و هدف تربیت معنوی آن است که فرد، جهت‌گیری فطری آغازین خود را تا پایان حفظ و تقویت کند. (اشعری و همکاران، ۱۳۹۴)

اگر در پی‌جویی تعریف تربیت معنوی به تعلیم و تربیت معاصر توجه کنیم، متوجه می‌شویم که تعریف‌های مختلفی از آن ارائه شده است؛ از جمله: تربیت بر اساس اصول معنوی؛ تربیت روح انسان؛ تربیت در یک فعالیت معنوی؛ تربیت در یک گرایش معنوی (هند، ۲۰۰۳؛ نقل از: همان). کار، تربیت معنوی را بخش متمایزی از تعلیم و تربیت تعریف می‌کند که در صدد آموزش حقایق و پرورش فضایل معنوی است. تربیت معنوی در برگیرنده فعالیت‌هایی است که لازم است به دانش‌آموزان آموزش داده شود. کار، این فعالیت‌ها را به دو دسته عبادی و تأملی تقسیم می‌کند. مطالعه مفهوم معنویت در زمینه تربیتی معاصر، حکایت می‌کند که در رویارویی با مفهوم معنویت، طیفی از دین‌باوری تا معنویت‌باوری فارغ از دین وجود دارد. در یک سوی این طیف، متفکران دینی قرار دارند که معتقدند اصولاً مفهوم معنویت تنها در چارچوب گفتمان دینی معنا پیدا می‌کند و غیر از ادیان آسمانی نمی‌توانند از معنویت سخن به میان آورند (جوادی عاملی، ۱۳۷۷) و در سوی دیگر آن، متفکران سکولار قرار دارند که معنویت را نیاز عاطفی و روان‌شناختی انسان تلقی می‌کنند و الزامی در هویت‌بخشی به دین برای حل نیازهای معنوی نمی‌بینند. (باغکی و همکاران، ۱۳۹۱)

در مسیحیت، انسان موجودی است که به صورت خدا آفریده شده است. خدا انسان را برای خود و جهان را برای انسان خلق کرده است. طبیعت انسان، به دلیل گناه جد اعلایش در بهشت، به ضعف گراییده است؛ لذا به شر و گناه تمایل دارد. اما دو چیز می‌تواند انسان را از ورطه گناه برهاند و به فلاح برساند که یکی، اراده آزاد و دیگری، عقل است و این هر دو هم بدون فیض الهی راه به جایی نمی‌برند. عقل البته باید آموزه‌های مسیحیت را بی‌چون و چرا تأیید کند. عقل، خادم ایمان است و اراده آزاد هم بی‌مدد فیض الهی که متولی آن کلیسا و مظهر آن حضرت عیسی مسیح است، نمی‌تواند موجب فلاح باشد. پس تنها راه نجات، همانا پیروی از دستورات کلیسا است. (پاک‌سرشت، ۱۳۸۶)

تربیت معنوی از دید معنویت‌باوران فارغ از دین (معنویت سکولار)، بخشی از حیات انسان تلقی می‌شود که به نیازهای عاطفی هیجانی انسان مربوط است و با نیازهای حوزه شناختی ارتباط مستقیم ندارد. هر فرد باید در کنار برخورداری از زندگی عقلانی، به سایر ساحت‌های وجودی خود نیز پردازد (باغکی و همکاران، ۱۳۹۱). بسیاری بر این باورند که اساساً تربیت روحی و معنوی، عمیق‌ترین نوع تربیت در میان سایر تربیت‌هاست و از همین رو، مشکل‌ترین نوع تربیت است. اگر سایر تربیت‌ها به جوانب و حواشی سطوح شخصیت آدمی می‌پردازند؛ در تربیت روحی و معنوی، اصل جوهره انسان که همان عقل و قلب و روان و سر هستی اوست،

محور و موضوع تربیت است. از این رو، دامنه این تربیت همه کرانه‌های شخصیت و ابعاد روح انسان را در بر می‌گیرد و چون دخل و تصرف (تعالی و تکامل) در ذات و اصل حقیقت آدمی است، به عمیق‌ترین نوع تأثیر و تحول در انسان منتهی می‌شود که آثار آن دائمی و ماندگار خواهد بود. (جوارشکیان، ۱۳۸۹)

امروزه گرایش به معنویت، به عنوان گرایشی نو در عرصه آموزشی، تربیتی و فرهنگی، بیش از عرصه‌های دیگر به چشم می‌خورد (ریبی و همکاران، ۲۰۱۲). تربیت معنوی که بخش متمایزی از تعلیم و تربیت است، باید در راستای آموزش و پرورش فضائل معنوی باشد؛ زیرا قلمرو تعلیم و تربیت مهم‌ترین بستری است که می‌تواند برای تحقق معنویت در زندگی انسانها نقشی مؤثر ایفا کند (همتی، ۱۳۹۲). ویژگی اصلی آموزش و پرورش معنوی را حضور فعال محبت در کلاس درس و تأمین رابطه عمیق درونی میان استاد و شاگرد و موضوع درس و همچنین قلب و مغز و روح می‌دانند. تربیت معنوی، پرورش کیفیات ذهن و قلب در دانش‌آموزان است. بنابر این، تبلیغ و زمینه‌سازی برای تربیت معنوی و تثبیت و تقویت آن در همه نسلها، گامی مهم و ضروری است و در عصر ما و برای نسل حاضر ضروری‌تر و از اهمیتی بیشتر برخوردار است.

۴. انسان معنوی

از دیدگاه دین اسلام، انسان معنوی به کسی گفته می‌شود که غریزه‌های خود را مهار کند و در بند غضب، حرص، طمع، جاه‌طلبی و افزون‌خواهی نباشد. روح انسان، وقتی زنده است که از بردگی شهوت و غضب برهد و عبد و پرستشگر هوایش نباشد. اگر انسان بگوید هر چه می‌خواهم، می‌کنم؛ هر جا بخواهم، می‌روم؛ هر چه دوست دارم، می‌خورم؛ هر گونه که میل داشته باشم، زندگی می‌کنم و هیچ قید و بندی ندارم؛ چنین شخصی، روح و جان خود را برده و اسیر شهوت قرار داده و فطرت خود را زنده به گور کرده است؛ چنانکه خدای متعال می‌فرماید: «قد خاب من دساها» (شمس: ۱۰) و در حقیقت؛ حیات انسانی خود را از دست داده و در زمره مردگان درآمده و «میت الاحیا» شده است. (قاسم‌پور، ۱۳۹۰)

علامه طباطبایی ضمن اشاره به اینکه معنویت از فطرت انسان نشئت می‌گیرد، انسان معنوی را کمالات وجودی انسان و هر پدیده دیگر، این گونه تعریف می‌کند: اموری است که با ساختمان ویژه غرایز وجودی آن توافق دارد. با این حساب، انسان هم غرایز فطری معنوی دارد و هم غرایز فطری مادی؛ زیرا اگر انسان تنها دارای غرایز فطری مادی بود، کمال او در برآوردن حداکثری این غرایز بود، ولی غرایز گوناگون دیگری که در ترکیب ساختمان وی موجود است، زیاده‌روی و طغیان یک غریزه را روا ندانسته و به حفظ توازن و اعتدال دعوت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۸۰)

مطهری معتقد است در عصر ما یک جنایت بزرگ که به صورت فلسفه و سیستم‌های فلسفی مطرح شده، این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت معنوی انسان هیچ بحث نمی‌کنند و حقیقت «نفخت فیه من روحی» فراموش شده است. او ضمن ارائه تعریفی از ایمان و انسان معتقد است

1178 ♦ تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجاده در تعلیم و تربیت

گرایشهای والا و فوق حیوانی که در انسان وجود دارد، آنگاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند، نام ایمان به خود می‌گیرد. از نظر قرآن، انسان موجودی است که همه کمالات بالقوه را دارد و باید به فعلیت برساند و این خود اوست که باید سازنده و معمار خود باشد. شرط وصول انسان به کمالات بالقوه‌اش، ایمان است و از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا برمی‌خیزد. [انسان معنوی]، انسان به علاوه ایمان است. انسان منهای ایمان، ناقص است. (مطهری، ۱۳۸۱)

ج) پیشینه تحقیق

نجفی و همکاران (۱۳۹۴) در «تبیین ابعاد و رشد مؤلفه‌های معنوی انسان و تحلیل آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران»، ابعاد رشد معنوی را شامل هنر و زیباشناسی، تعقل و اخلاق دانسته و برای هر یک از این ابعاد نیز مؤلفه‌هایی را در نظر گرفته‌اند.

پاپی و هاشمی (۱۳۹۳) در پژوهش چستی و چرایی تربیت معنوی، نشان دادند تربیت معنوی که موضوع آن روان و سرهستی انسان است، مشکل‌ترین نوع تربیت در میان انواع تربیتهاست. با توجه به نقش مؤثر نظام آموزش و پرورش در تربیت معنوی افراد، باید به تدارک برنامه آموزشی به هم پیوسته و آزادی‌بخش، متناسب با گرایش ربوبی انسان که از هیجان‌پریشی، کوشش و مشارکت، سرشار و هدف در آن، بیشتر فرایندی کل‌نگرانه باشد، اقدام شود.

امینی و ماشاللهی‌نژاد (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که پرورش معنویت در دانشگاهها باید در قالب دو رویکرد موضوع‌محور و تلفیقی مورد توجه قرار گیرد. در حالی که معنویت در رویکرد اول، مستقیم از طریق دروس خاص و مرتبطی چون معارف اسلامی، عرفان و اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در رویکرد تلفیقی، رشد و پرورش توانایی‌ها، ظرفیتهای معنوی و روحانی دانشجویان به روح حاکم و خصلت اصلی برنامه‌های درسی دانشگاهی تبدیل شده و از ظرفیتهای مجموعه دروس تخصصی رشته‌های مختلف استفاده می‌شود.

قاسم‌پور و نصر اصفهانی (۱۳۹۱) که در پژوهش خود به تبیین بعد معنوی انسان و برنامه درسی معنوی و تعیین استلزامات برای انتخاب رویکرد معنوی در تعلیم و تربیت پرداختند؛ برنامه درسی معنوی را شامل اهداف، محتوا، اجرای آموزش و ارزشیابی می‌دانند که بتواند حالات و نگرشها یا به تعبیری، شناورهای معنویت مورد تأیید قرآن را در انسان ایجاد کند. برخی فعالیت‌های آموزشی، همچون کارهای تجسمی، کار با رویاها، نگارش خلاق، نقاشی و انواع هنر و غیره، اگر چه تا حدودی باعث پرورش بعد روحی انسان می‌شوند، اما رشد معنوی تنها از این طریق به دست نمی‌آید. برنامه درسی معنوی، برنامه‌ای است تلفیقی که

هم با علائق و خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی، مثل اصول و احکام و آداب دینی را در بر می‌گیرد.

باغگلی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی جهت‌گیری‌ها نسبت به تربیت معنوی، دو جهت‌گیری را ارائه می‌دهند: جهت‌گیری دینی که در آن دین خاص مورد توجه است و تلقی معنویت عبارت از ارتباط با خالق و آماده شدن برای قرب اوست. دو گونه جهت‌گیری نسبت به معنویت دینی و فارغ از دین را نمی‌توان منطبق بر یکدیگر تلقی کرد؛ زیرا هر یک از آنها نسبت به مسئله معنویت، اساساً مفروضه‌ها و اهداف متفاوتی دارند. باید توجه جدی داشت که بازگشت به معنویت که امروزه در مغرب‌زمین شایع شده است، جهت‌گیری و پیامی متفاوت از دینداری و تربیت دینی دارد؛ بنابر این، فرایند و پیامدهای تربیتی آن نیز متفاوت از تلقی معنویت با جهت‌گیری دینی است.

سلحشوری (۱۳۹۰) در پژوهش خود دریافت که تمام ادیان به نوعی تربیت اخلاقی، معنوی و دینی و به بُعد غیر مادی اذعان دارند و در پی ارتباط با خالق و رفع موانع ارتباطی با خداوندند. مرکز این ارتباط، دل انسان است که غیر مادی است و معنویت نیز بُعدی غیر مادی و ماورایی است؛ یعنی حسی درونی است که موقعیتی برای فراتر رفتن و گذر از خود و تعالی یافتن و ایجاد هماهنگی بین ذهن و بدن، خود و جهان به وجود می‌آورد. به عبارتی؛ معنویت هم تعالی‌دهنده است و هم می‌تواند در خدمت فرهنگ ماده‌گرایی قرار گیرد؛ بنابر این، معنویت هم می‌تواند دینی باشد و هم غیر دینی. حاصل تحقیق اینکه، از سه مفهوم تربیت اخلاقی، معنوی و دینی؛ تربیت اخلاقی پایه تربیت و هدف غایی آن، تربیت معنوی و هدف غایی تربیت معنوی، تربیت اسلامی است.

نقطه اشتراک تحقیقات مذکور با پژوهش حاضر در مبحث تربیت معنوی و تعلیم و تربیت است؛ با این تفاوت که هدف اصلی و اساسی پژوهش حاضر، تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجادیه است. به همین منظور و در راستای دستیابی به اهداف مذکور، سؤالاتی مطرح می‌شود که پاسخ به آنها می‌تواند زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزان آموزشی و متصدیان تربیتی باشد تا با اقتباس از دیدگاههای تربیتی صحیفه سجادیه، زمینه‌های پرورش و تربیت صحیح در تمامی ابعاد، از جمله ساحت تربیت معنوی را برای نسل کنونی و نسلهای آینده فراهم آورند. پرسشهای عمده‌ای که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است، عبارتند از:

۱. معنویت و تربیت معنوی به چه معنا و مفهومی است؟

۲. مبانی و اصول تربیت معنوی در صحیفه سجادیه کدام است؟

۳. اهداف تربیت معنوی در صحیفه سجادیه کدام است؟

۴. روشهای تربیت معنوی در صحیفه سجاده کدام است؟

د) روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق از حیث هدف، کاربردی و رویکرد زیربنایی آن، کیفی است. در این پژوهش از روشهای تحلیل مفهومی و استنتاجی پیش‌رونده و پس‌رونده استفاده شد. از روش استنتاجی می‌توان هم برای نظریه‌پردازی و هم برای تحلیل، ارزیابی و نقد نظریه در تعلیم و تربیت استفاده کرد؛ اما از آنجا که هدف این تحقیق، تحلیل و تبیین فلسفه تربیت معنوی با اتکا به صحیفه سجاده است، از قیاس عملی پس‌رونده استفاده شد. در قیاس عملی پس‌رونده، با در نظر گرفتن دانشها و مهارتهای مطلوبی که در فلسفه‌ای مطرح شده، می‌پرسیم که چه توجیهی برای آن بیان شده و به عبارتی؛ چه اهدافی در نظر گرفته شده (مقدمه هنجارین) و چه گزاره‌های واقع‌نگری برای نیل به آنها (مقدمه توصیفی) مطرح شده است. همچنین در مواردی که بیان روشنی از هدف اصلی وجود دارد، از روش قیاس عملی پیش‌رونده استفاده می‌شود که در این تحقیق نیز ابتدا با استناد به توصیفات به دست آمده، باید‌های کلی در ناحیه هدف، معین و با ابتنا بر اهداف کلی و گزاره‌های واقع‌نگر برآمده از صحیفه سجاده، به روش استنتاجی اصول و باید‌های کلی در روش اقدام شد.

محیط پژوهش در این تحقیق، شامل کتاب مقدس صحیفه سجاده مشتمل بر ۵۴ دعا به همراه شروح صحیفه سجاده است. نمونه پژوهش در این مطالعه با جامعه یکسان است. علت گزینش صحیفه سجاده به عنوان محیط نمونه، بعد از لحاظ وثوق آثار، موضوع محوری آنهاست. در مرحله تحلیل، ابتدا به صورت قیاسی بر اساس کلام امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده، مقوله‌های اولیه انتخاب و منابع و کتب از طریق فرایند کدگذاری، از متن استخراج، بررسی و بازخوانی شد و به صورت مداوم در داده‌ها غور شد تا مقوله‌های اصلی و فرعی استنباط شوند.

ه) یافته‌ها

در هر علم با پیش‌فرضهایی روبه‌رو هستیم که یا بدیهی‌اند یا در علوم دیگر به اثبات می‌رسند. این پیش‌فرضها را مبانی می‌نامند؛ زیرا زیربنای بنیانهای دیگر به شمار می‌روند. بعضی از مبانی از سنخ قضایای فلسفی و مدلل‌اند که در جهان‌بینی و نظام ارزشی معتبر و مقبول جامعه، اموری مسلّم و مفروض‌اند (زیباکلام، ۱۳۹۰). مبانی، مجموعه‌هایی از معارف‌اند که می‌توانند راهنمای استخراج و استنباط اهداف، اصول و روشها در نظریه‌های تربیتی قرار گیرند. مبانی را شامل دو بخش اصلی می‌دانند: مبنای تاریخی و مبنای فلسفی. نقطه اشتراک همه این تعاریف این است که مبانی، تربیت را مجموعه‌ای از دانشهای منسجم علوم و مرتبط با

تعلیم و تربیت می‌دانند. با توجه به اینکه هر مکتبی بر پایه مبانی خاص خود؛ یعنی زیرساخت فلسفی و اعتقادی خود به تربیت انسانها می‌پردازد، شناخت آنها اجتناب‌ناپذیر است. در واقع؛ بدون تبیین مبانی نمی‌توان از اهداف سخن گفت. به بیان دیگر؛ هر یک از نظامهای تعلیم و تربیت ناگزیر دارای مبانی ویژه‌ای‌اند که باید درصدد شناخت آنها برآیند. واژه‌شناسی مبانی، جمع‌منا و به معنای پایه و بنیان است. در اصطلاح علم تعلیم و تربیت، مبانی زیرساخت اعتقادی، فلسفی و نوع شناخت هر مکتبی از مبدا هستی، جهان و انسان است. بنابر این، اهداف، خط‌مشی و شیوه‌های عملی در هر زمینه باید بر اساس مبانی بنیان نهاده شوند و در واقع؛ امتیاز هر مکتبی به مبانی آن بستگی دارد. مبانی دارای گونه‌های مختلفی است؛ زیرا پرسشهایی که پیش از پرداختن به یک علم باید پاسخی برای آنها فراهم کرده باشیم متنوع‌اند. بنابر این، می‌توان مبانی تربیت معنوی اسلامی را چنین تعریف کرد: گزاره‌هایی خبری که یا بدیهی‌اند یا از دانشهای دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین اصول و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی به کار می‌آیند.

در صحیفه سجادیه گرچه برخی مطالب به شکل دعا از سوی امام سجاد(ع) صادر شده است، ولی مبانی و اصول تربیتی اسلام به روشنی از آنها استنباط می‌شود. انسان‌شناسی صحیفه سجادیه یک انسان‌شناسی توحیدی است که انسان را خلیفه‌الله در روی زمین و موجودی دو ساحتی می‌داند و برای وی، فطرت، اختیار، خلافت، کرامت و... اثبات می‌کند و زندگی این‌دنیایی را مقدمه‌ای برای زندگی اخروی محسوب می‌کند و اعمال دنیوی انسان را مؤثر در سعادت و شقاوت اخروی می‌داند. از جمله مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه؛ خوددوستی(حبّ ذات)، کمال‌طلبی، فطرت‌جویی، میل به جاودانگی، خوف و رجا(ترس و امید)، دوری از غفلت، دنیادوستی و اختیار است.

یکی از ویژگی‌های فطری انسان که از جمله مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه نیز به شمار می‌آید، انگیزه خوددوستی است؛ به این معنا که انسان در مرتبه ذات نفس، خویشتن خویش را دوست دارد. به «حبّ ذات» یا خوددوستی، به صورتهای مختلف در بعضی از دعاهای صحیفه اشاره شده است؛ از جمله می‌فرماید: «مرا چون بیچاره شوم، به یاری خواستن از غیر خود؛ و چون فقیر شوم، به فروتنی برای درخواست از غیر خویش آزمایش مفرما»(دعای ۷، فراز ۱). اساساً گرایش خوددوستی، خاستگاه تمام گرایشهای دیگر است؛ حتی گرایش به خدا و محبت به خدا نیز در این گرایش نهفته است و از رهگذر حبّ ذات یا خوددوستی، ناآگاهانه نقش خود را ایفا می‌کند و سبب می‌شود انسان به مقاصد عالی برسد. البته این مرحله از خدادوستی، ابتدایی‌ترین مرحله آن به شمار می‌رود و مراحل بالاتر که معرفت‌شهودی است، با آگاهی کامل‌تر همراه است. بنابر این، خوددوستی را باید یکی از ویژگی‌های مهم انسان دانست که خاستگاه رفتارهای انسانی اوست. خوددوستی، غریزه‌ای است که اگر به آن توجه شود و در مسیر درستی هدایت شود، منشأ عزّت‌خواهی، کمال‌جویی و سعادت‌مندی می‌شود. در مقابل، اگر به انحراف کشانده شود، روح استکبار و سرکشی بر انسان چیره می‌شود و به رفتارهای ناپسندی مانند خودخواهی، خودبرتربینی و آزمندی می‌انجامد.(دعای ۲۰، بند ۱۲)

1182 ♦ تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجاده در تعلیم و تربیت

گفتنی است که نقش تعادلی خوف و رجا در انسان به گونه‌ای است که اگر نباشد، انسان نمی‌تواند به زندگانی خود ادامه دهد؛ زیرا اگر خوف و ترس بر امید چیره باشد، انسان را به ناامیدی می‌کشاند. در نتیجه، انسان از تلاش دست برمی‌دارد و کم‌کم به پوچی می‌رسد. از سوی دیگر، اگر امیدواری انسان بر خوف چیره شود، انسان را به غرور و غفلت می‌کشاند که به سرکشی و نابودیش خواهد انجامید. پس حالت خوف و رجا در انسان، همیشه باید به صورت متعادل باشد؛ به گونه‌ای که هیچ یک بر دیگری غلبه نداشته باشد. همچنین باید انسان دارای ویژگی مهم اختیار باشد تا مشمول خطابه‌های وعد و وعید شود. اگر انسان مجبور باشد و از خود اختیاری نداشته باشد، عهد خدا با وی بیهوده است.

برخی نویسندگان، اصول تربیتی را با مبانی مترادف گرفته و وجه تمایزی برای آنها بیان نکرده‌اند. برخی نیز اصول را چنین تعریف کرده‌اند: «مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد به نسبت کلی که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در همه اعمال تربیتی باشد».

استخراج اصول از مبانی تربیت معنوی در صحیفه سجاده

بند‌های صحیفه	مبنا	اصل
۱. دعای ۴۷، بند ۱۰۹. ۲. دعای ۴۷، بند ۶۷. ۳. دعای ۱۴، بند ۱۳.	مبتنی بر ویژگی‌هایی از جمله: خوددوستی و دنیادوستی	اول. هدایت
۱. دعای ۱۱، بند ۱. ۲. دعای ۲۰، بند ۱۳. ۳. دعای ۵، بند ۱۴	مبتنی بر ویژگی‌های غفلت	دوم. تذکر
۱. دعای ۲۰، بند ۲۷. ۲. دعای ۲۱، بند ۹. ۳. دعای ۲۲، بند ۸	مبتنی بر ویژگی‌های دنیادوستی	سوم. زهد
۱. دعای ۲۰، بند ۱. ۲. دعای ۵۴، بند ۳. ۳. دعای ۵۴، بند ۶	مبتنی بر ویژگی کمال‌طلبی	چهارم. التزام به عمل
۱. دعای ۲۰، بند ۱۶. ۲. دعای ۲۱، بند ۹. ۳. دعای ۲۱، بند ۱۱	مبتنی بر ویژگی خوف و رجا	پنجم. تقوا
۱. دعای ۲۵، بند ۱۰. ۲. دعای ۱۶، بند ۱۵. ۳. دعای ۵۱، بند ۱۲	مبتنی بر ویژگی خوف و رجا	ششم. توکل
۱. دعای ۲۷، بند ۴. ۲. دعای ۲۲، بند ۹. ۳. دعای ۲۲، بند ۸	مبتنی بر ویژگی اختیار	هفتم. ایجاد انگیزه

هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع مطلوبی است که آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. بنابر این، هدف‌های تربیتی سه کارکرد دارند: رهبری فعالیت‌های تربیتی، ایجاد انگیزه در فرد و معرفی معیاری برای ارزیابی فعالیت‌های تربیتی. ویژگی مشترک تمام هدف‌های تربیتی (هدف‌های غایی، کلی، جزئی و رفتاری) آن است که نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی اند (شکوهی، ۱۳۷۸). با توجه به مفهوم بیان‌شده، ویژگی‌های مهم هدف عبارتند از:

- **اختیاری بودن:** افعال اختیاری با آگاهی انجام می‌گیرند؛ پس نوعی پیش‌بینی و گزینش در آنها وجود دارد.

- **ایجاد انگیزش:** چون رسیدن به اهداف، تأمین‌کننده نیاز روانی و دیگر نیازهای فرد است، فرد با رغبت به سوی هدف حرکت می‌کند.

- **انتخاب مسیر:** بی‌شک، انسان از هر مسیر و با هر برنامه‌ای نمی‌تواند به هدف برسد و برای رسیدن به هدف، برنامه‌ریزی ضرورت دارد. بنابر این، یکی از کارکردهای هدف، مدیریت برنامه‌ریزی و تعیین مسیر است.

۱. دسته‌بندی هدف‌های تربیتی در صحیفه سجاده

بر اساس معیارهای مختلف، تقسیم‌های گوناگونی را برای اهداف تعلیم و تربیت اسلامی برشمرده‌اند که در هر یک از آنها، از دیدگاه خاصی به اقسام هدف نگریسته می‌شود. وقتی از دیدگاه صحیفه به انسان می‌نگریم، پیش‌فرض‌های اساسی داریم که تعیین‌کننده نوع نگرش ما به انسان است؛ مانند اینکه انسان و جهان، آفریده خداوندند و انسان جانشین خداست و بر تمام آفریده‌ها فضیلت دارد و دارای فطرت خداجوست. بنابر این، اگر بخواهیم هدف‌های تربیتی را در صحیفه تقسیم‌بندی کنیم، باید ملاک این تقسیم‌بندی را نیز از خود صحیفه بگیریم؛ زیرا بیش‌تر آنکه در مکتب اهل بیت (ع) برای نظام تربیتی در زندگی انسان معیار قرار گیرد، بی‌شک همیشگی است و به تمام جنبه‌های وجودی و نیازها و استعدادها و ناظر است. این نظام تربیتی، انسان را جانشین خدا در زمین می‌داند و در پی آن است که نظامی بیافریند که با در بر گرفتن تمام جنبه‌های وجودی انسان، فردی صالح و شایسته تربیت کند.

هدف غایی: خداوند متعال، هدف غایی، حقیقت بی‌نهایت و جامع تمام ارزش‌هاست. امام سجاد (ع) در تمام دعاها، مخاطب را با زبان دعا و مناجات به آن حقیقت یکتا راهنمایی می‌فرماید. امام (ع) با محور قرار دادن خداوند در تمامی دعاها، به ما می‌فهماند که خدا باید محور زندگی انسان در تمام جنبه‌های آن باشد. منظور از هدف بودن خدا، بی‌گمان حضور خداوند در متن زندگی است. اساساً نقش هدف نهایی در مسیر زندگی، چیزی جز استمرار حضور خدا و احساس آن نیست. بنابر این، شایسته است خود «خداوند» که هدف نهایی است، محور قرار گیرد، نه اموری که رابط میان ما و

1184 ♦ تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجاده در تعلیم و تربیت

خداوندند؛ زیرا امور واسطه‌ای، زمینه‌ساز رسیدن به آن مقام‌اند. پس اگر مفهوم هدف از این مظاهر مبانی استنباط شود، تنها در پرتو مطلوبیت آن حقیقت واحد است.

امام سجاده(ع) در صحیفه سجاده برای هدایت انسان به سوی هدف غایی آفرینش؛ یعنی خداوند متعال، با عبارتها و مفاهیم متفاوتی، چگونگی ارتباط انسان را با خدا بیان می‌فرماید. این مفاهیم در برگرفته هدفی خاص‌اند و نقش واسطه‌ای دارند و آنچه محور و معیار است، همان حقیقت واحد است. برخی مفاهیمی که در صحیفه سجاده بیان‌کننده چگونگی ارتباط انسان با خداست، عبارتند از:

یک) عبودیت: از دیدگاه صحیفه، کسی سعادتمند است که به مقام عبودیت رسیده باشد. سعادت واقعی بشر در گرو کسب علم یا لذت یا قدرت بیشتر و مانند اینها نیست، بلکه تنها در پیوند با خدا به دست می‌آید. عبادت، غایت آفرینش انسان است. بنابر این، از نظر امام سجاده(ع)، انسانی سعادتمند است که به این هدف دست یابد. (دعای ۴۵، بند ۴۹)

دو) قرب: مفهوم دیگری که بیانگر چگونگی پیوند با خداست، قرب است. مراد از قرب، قرب زمانی و مکانی نیست، بلکه نزدیکی و ارتباط روحی و معنوی مراد است؛ ارتباطی که ریشه در شخصیت انسان دارد و او را به خدا نزدیک می‌کند. (دعای ۴۳، بند ۶)

سه) حیات طیبه: این مفهوم نیز برای بیان چگونگی ارتباط انسان با خداوند به کار رفته است. امام سجاده(ع) می‌فرماید: «پس مرا به زندگی پاکیزه‌ای زنده‌دار تا آن‌گونه که می‌خواهم، آن زندگی نظم‌پذیر و آنچه دوست دارم، در بر گیرد؛ به گونه‌ای که آنچه نمی‌پسندی، به جا نیآورم و آنچه نهمی کرده‌ای، مرتکب نشوم» (دعای ۴۷، بند ۷۲). طهارت افزون بر طهارت جسمانی، شامل پاکی روح و روان می‌شود. طهارت روح در اصل توحید تبلور می‌یابد و تمامی آموزه‌های اعتقادی، اصول اخلاق عملی و اعمال شرعی را در بر می‌گیرد.

۲. روشهای تربیت معنوی در صحیفه سجاده

روشهای تربیتی، دستورهای جزئی مبتنی بر اصول و در واقع؛ شیوه‌های عملی انجام عمل تربیتی‌اند (صفوی، ۱۳۷۴). روشهای تربیتی، حالت رفتاری و جزئی دارند که در مقام عمل نسبت به مبانی و اصول، کاربردی‌ترند یا حد فاصل مبانی و اصول از یک سو و اهداف از سوی دیگرند. برخی از روشهای تربیتی را می‌توان با جنبه شناخت در ارتباط دانست. در این صورت، نقش روشهای تربیتی، دادن بینش و شناخت صحیح به انسان است تا او را از خطاها و اشتباه‌ها بازدارند. برخی از روشهای تربیتی با هدایت گرایشها، از انحراف آنها جلوگیری می‌کنند. برخی دیگر هم به بُعد رفتاری مربوط می‌شوند که در این صورت، نقش روشهای تربیتی، معرفی الگوهای رفتاری مناسب است تا انسان با عمل به آنها، به هدفهای مد نظر دست یابد.

روشهای تربیت معنوی در صحیفه سجاده عبارتند از:

ناچیز شمردن خوبی‌ها و زیاد شمردن بدی‌ها؛ یعنی انسان باید خوبی‌هایش را (هر چند زیاد باشد) ناچیز بشمارد و بدی‌هایش را (هر چند کم باشد) زیاد و سنگین بداند. این روش بر اصل کمال‌خواهی مبتنی است؛ زیرا انسان کمال‌خواه با کم شمردن کارهای نیک خود و زیاد دانستن کوچک‌ترین اشتباه و گناهش، در صدد انجام کارهای پسندیده و جبران اشتباه خویش برمی‌آید.

توبه؛ فلسفه تشریح توبه در نظام تربیتی اسلام، رهایی از هلاکت به سبب گناه و نجات از تباهی است؛ زیرا توبه، وسیله رستگاری و مقدمه دستیابی به سعادت است. افزون بر آن، توبه وسیله حفظ روح امیدواری در انسان است؛ بنابراین، توبه با دمیدن روح امید در کالبد خسته و نومید انسان، انگیزه اصلاح رفتارها را در فرد ایجاد و تقویت می‌کند.

یادآوری نعمتها؛ انسان همواره باید به گذشته خویش بنگرد و سختی‌هایی را که با آن درگیر بوده، از نظر بگذراند و نعمتهایی را که به او داده شده است، به یاد آورد تا دست مهر خدا را همواره بر سر خود ببیند.

تکریم و احترام؛ دامنه این روش تربیتی، همه انسانها را شامل می‌شود؛ زیرا در همه انسانها غریزه حب ذات وجود دارد و هر کس دوست دارد که دیگران به او احترام بگذارند.

نیکی کردن در مقابل بدی؛ تنبیه و تشویق، دو روش برای تربیت و اصلاح رفتارهای انسان است. بدین صورت که خطاکاران را تنبیه و نیکوکاران را تشویق کنند. اسلام نیز این دو روش را بجا می‌داند و هر یک را در جای خودش مفید و لازم می‌شمارد. البته همیشه تشویق بر تنبیه مقدم است و تا آنجا که بتوان از تشویق بهره جست، نباید به تهدید و تنبیه دست یازید. البته به کار بردن این روش در همه جا و برای همگان و در هر شرایطی صحیح و مؤثر نیست؛ چون اگر درست انجام نشود، ممکن است آثار بدی به همراه داشته باشد. مربی باید موارد را خوب بررسی کند و هر جا این روش را صلاح بداند، از آن بهره گیرد.

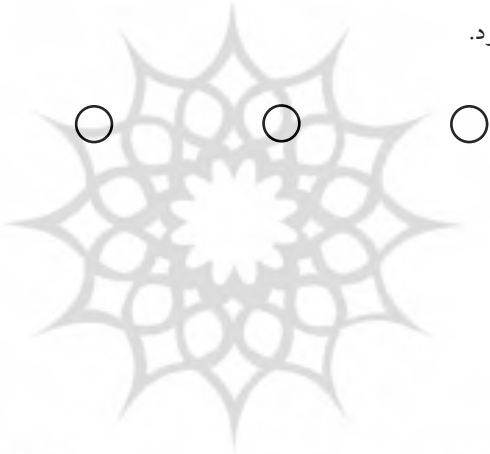
الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجاده

اهداف	میانی	اصول	روشها
اهداف غایی	خوددوستی	هدایت	ناچیز شمردن خوبی‌ها و زیاد شمردن بدی‌ها
عبودیت - قرب	۱. دعای ۷، بند ۱.	۱. دعای ۴۷، بند ۱۰۹.	۱. دعای ۲۰، بند ۱۰.
حیات طیبه.	۲. دعای ۲۰، بند ۱۲.	۲. دعای ۴۷، بند ۶۷.	۲. دعای ۳۲، بند ۱۰.
۱. دعای ۴۵، بند ۴۹.	کمال طلبی	تذکر	توبه
۲. دعای ۴۳، بند ۶.	۱- دعای ۱۹، بند ۵.	۱. دعای ۱۱، بند ۱.	۱. دعای ۴۵، بند ۵۲.
۳. دعای ۴۷، بند ۷۲.	۲. دعای ۲۰، بند ۲۹.	۲. دعای ۲۰، بند ۱۳.	۲. دعای ۱۲، بند ۷.
۴. دعای ۴۵، بند ۵۰.	فطرت جویی	زهد	یادآوری نعمتها
۵. دعای ۴۷، بند ۱۱۷.	۱. دعای ۵۱، بند ۱۰.	۱. دعای ۲۰، بند ۲۷.	۱. دعای ۱، بند ۱۷.
اهداف واسطه ای	۲. دعای ۲۱، بند ۱۰.	۲. دعای ۲۱، بند ۹.	۲. دعای ۱، بند ۲۰.
معرفت به خدا	میل به جاودانگی	التزام به عمل	۳. دعای ۴۹، بند ۱۱.
۱. دعای ۴۷، بند ۱۴.	۱. دعای ۲۵، بند ۱.	۱. دعای ۲۰، بند ۱.	تکریم و احترام
۲. دعای ۴۷، بند ۱۸.	۲. دعای ۲۵، بند ۲.	۲. دعای ۵۴، بند ۳.	۱. دعای ۲۴، بند ۷.
دستیابی به ایمان	خوف و رجا (ترس و امید)	تقوا	۲. دعای ۲۵، بند ۴.
۱. دعای ۴۸، بند ۱۲.	۱. دعای ۵۲، بند ۱۱.	۱. دعای ۲۰، بند ۱۶.	۳. دعای ۲۵، بند ۵.
۲. دعای ۱، بند ۱۰.	۲. دعای ۱۶، بند ۱۹.	۲. دعای ۲۱، بند ۹.	رفق و مدارا
رسیدن به روح عبادت	دوری از غفلت	توکل	۱. دعای ۲۴، بند ۵.
۱. دعای ۳۵، بند ۴.	۱. دعای ۳۴، بند ۴.	۱. دعای ۲۵، بند ۱۰.	۲. دعای ۲۴، بند ۶.
۲. دعای ۲۰، بند ۳.	۲. دعای ۱۶، بند ۲۳.	۲. دعای ۱۶، بند ۱۵.	نیکی کردن در مقابل بدی
شکرگزاری	دنیادوستی	ایجاد انگیزه	۱. دعای ۲۶، بند ۳.
۱. دعای ۱۱، بند ۱.	۱. دعای ۲۰، بند ۲۹.	۱. دعای ۲۷، بند ۴.	۲. دعای ۲۰، بند ۹.
۲. دعای ۳۷، بند ۱.	۲. دعای ۲۰، بند ۳۰.	۲. دعای ۲۲، بند ۹.	
پرورش حس فضیلت جویی	اختیار		
۱. دعای ۲۰، بند ۳.	۱. دعای ۱، بند ۲۱.		
۲. دعای ۲۰، بند ۱۳.	۲- دعای ۲۰، بند ۳۲.		

(و) نتیجه گیری

انسان‌شناسی صحیفه سجاده یک انسان‌شناسی توحیدی است که انسان را خلیفه‌الله در روی زمین و موجودی دو ساحتی می‌داند و زندگی این‌دنیایی را مقدمه‌ای برای زندگی اخروی محسوب می‌کند و اعمال دنیوی انسان را مؤثر در سعادت و شقاوت اخروی می‌داند. در صحیفه سجاده، معنویت، هویت خود را از دین می‌گیرد؛ بنابر این، منظور از معنویت، همان تربیت معنوی دین اسلام است. مهم‌ترین هدف تربیت معنوی، زیست بر اساس خواست الهی است و رسیدن به کمال انسانی، یکی از غایات تربیتی محسوب می‌شود. از آنجا که ساختار وجودی آدمی به گونه‌ای است که تنها در برقراری ارتباط با خداوند به آرامش می‌رسد؛ سایر تلاشهای عقلی و علمی انسان، محکوم به نافرجامی است. در پیش‌فرضهای تربیت معنوی، عالم هستی آفریده خداوند است. بنابر این، سرنوشت انسان در گرو ارتباط با اوست. هدف غایی انسان

معنوی، رسیدن به کمال است؛ البته کمالی که انسان می‌تواند بدان دست یابد، کمال نسبی است نه مطلق؛ زیرا کمال مطلق تنها متعلق به خداوند متعال است. رسیدن به کمال، موجب دستیابی به سلامت معنوی در سایه تسلیم الهی خواهد شد. گفتنی است که رسیدن به کمال انسانی، شامل مراحل است. پیدایش نگرش توحیدی، انطباق فعال با محیط، رهایی از ناهنجاری‌های اخلاقی و رسیدن به آرامش درونی و اطمینان قلبی، از جمله شاخصهای پیامدی تربیت معنوی‌اند که مصادیق و نمونه‌هایی از این مؤلفه‌ها در صحیفه سجادیه بیان شد. در واقع؛ انسان معنوی با ایجاد و ارتقای این شاخصها در درون خود، می‌تواند به سلامت معنوی و در نتیجه، سعادت‌مندی و رستگاری در زندگی دنیوی و اخروی دست یابد. انسان معنوی ابتدا باید شناخت را در خود ایجاد کند. وقتی شناخت انسان به مرحله باورمندی رسید، احساس حبّ شدید به خداوند پیدا می‌کند و بعد از آن رفتار اجتماعی پدید می‌آید که به نوبه خود پیامدهایی را نیز به دنبال دارد. بنابر این، تا شناخت به وجود نیاید، احساس شکل نمی‌گیرد و تا احساس و عاطفه ناشی از شناخت به وجود نیاید، رفتار و پیامد رفتار هم نخواهد بود.



منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه سجاده. حسین انصاریان (مترجم) (۱۳۹۲). تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران (۱۳۹۰). روان‌شناسی دین: بر اساس رویکرد تجربی. [بی‌جا]: [بی‌نا].
- الرود، فردریک (۱۳۸۱). «». معرفت، ش ۶۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء.
- سلحشوری، احمد (۱۳۹۰). «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی». رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ش ۲: ۴۱-۵۶.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۸). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- قاسم‌پور دهاقانی، علی و احمد رضا نصر اصفهانی (۱۳۹۰). «رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ؟.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: جهان‌بینی توحیدی. تهران: صدرا.
- مظاهری سیف، علیرضا (۱۳۸۴). «راهکارها و مدل‌های توسعه معنویت اسلامی». اخلاق، ش ۱۳.
- **The Holy Quran.**
- **Sahifa Sajjadih.** Hossein Ansarian (Translator) (2013). Tehran: Center for Printing and Publishing the Quran.
- Al-Rud, Frederick (2002). “ ”. *Knowledge*, No. 61.
- Bagheri, Khosrow (2006). **A New Look at Islamic Education.** Tehran: School Publishing.
- Javadi Amoli, Abdullah (1377). **Stages of ethics in the Quran.** Qom: asra.
- Mazaheri Seif, Alireza (2005). "Strategies and models for the development of Islamic spirituality". *Ethics*, p.13.
- Motahari, Morteza (2014). **An Introduction to the Islamic Worldview: A Monotheistic Worldview.** Tehran: Sadra.
- Qasempour Dehaghani, Ali and Ahmad Reza Nasr Isfahani (2011). "Spiritual approach and curriculum planning". *Research in Islamic Education Issues*.
- Salhshouri, Ahmad (2011). "Limits and Boundaries of Moral Education, Spiritual Education and Religious Education". *Journal of New Approach in Educational Management*, No. 2: 41-56.
- Shokoohi, Gholam Hossein (1999). **Principles and Principles of Education.** Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Spielka, Bernard et al. (2011). **The Psychology of Religion: Based on an Empirical Approach.**

